



## The Framework of Government-Citizen Relationship in Iran: An Institutional Approach

### Farajollah Rahnavard

\*Corresponding author, Associate Prof., Department of Public Administration, Institute for Management and Planning Studies (IMPS), Tehran, Iran. E-mail: frahnavard@imps.ac.ir

### Hossein Alipour

Assistant Prof, Department of Public Administration, Institute for Management and Planning Studies (IMPS), Tehran, Iran. E-mail: h.alipour@imps.ac.ir

### Farzin Dehdar

Assistant Prof, Department of Law, Institute for Management and Planning Studies (IMPS), Tehran, Iran. E-mail: f.dehdar@imps.ac.ir

### Heidar Khalili

PhD. Candidate, Department of Public Administration, Institute for Management and Planning Studies (IMPS), Tehran, Iran. E-mail: h.khalili@imps.ac.ir

### Abstract

**Objective:** Given the importance of the relationship between government and people as one of the key issues in political discourse, and the shortage of relevant theoretical studies and research in the Islamic Republic of Iran, the purpose of this study is to develop a model of the relationship between government and people in Iran with an institutional approach.

**Methods:** This research has been carried out using qualitative Grounded Theory method. The statistical population includes the experts who have practical knowledge and experience in the fields of public law and political structure of the government. These experts were selected using snowball sampling method and the data were analyzed using Atlas software.

**Results:** Content analysis of the interviews resulted in introduction of "religious democracy" as the central issue of the relationship between the government and the people, which includes the main dimensions of benefits for the people, authoritarianism, divine rule and supervision and guidance. Besides, causative, mediating and moderating elements were identified and the final framework was developed. The findings showed that the ideological thinking of the statesmen, moderation, constitutional commitment, and domination of the rulers are the factors influencing the relationship between government and people. In addition, the type of the relationship between government and people can lead to consequences such as public trust, public satisfaction, legitimacy and social cleavage.

**Conclusion:** Establishing a relationship between government and people based on the constitutional institution has positive effects such as satisfaction and public trust, and increases the legitimacy of the government among the people and provides the basis for the removal of the social cleavage.

**Keywords:** Political system, Relation of government and people, Religious democracy, Type of government.

**Citation:** Rahnavard, F., Alipour, H., Dehdar, F., Khalili, H. (2019). The Framework of Government-Citizen Relationship in Iran: An Institutional Approach. *Journal of Public Administration*, 11(1), 27- 46. (in Persian)



## چارچوب رابطه حکومت و مردم در ایران: رویکرد نهادی

### فرج‌اله رهنورد

\* نویسنده مسئول، دانشیار، گروه مدیریت دولتی، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، تهران، ایران. رایانامه: frahnavard@imps.ac.ir

### حسین علی‌پور

استادیار، گروه مدیریت دولتی، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، تهران، ایران. رایانامه: h.alipour@imps.ac.ir

### فرزین دهدار

استادیار، گروه حقوق، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، تهران، ایران. رایانامه: f.dehdar@imps.ac.ir

### حیدر خلیلی

دانشجوی دکتری، گروه مدیریت دولتی، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، تهران، ایران. رایانامه: h.khalili@imps.ac.ir

## چکیده

**هدف:** نظر به اهمیت رابطه حکومت و مردم به‌عنوان یکی از مباحث کلیدی در گفتمان‌های سیاسی و خلأ مطالعات و پژوهش‌های نظری مرتبط در نظام جمهوری اسلامی، هدف این پژوهش دستیابی به مدل رابطه حکومت و مردم در ایران با رویکرد نهادی است.

**روش:** این تحقیق به روش کیفی داده‌بنیاد انجام شده است. جامعه آماری آن خبرگانی هستند که در زمینه حقوق عمومی و ساختار سیاسی حکومت، از دانش و تجربه عملی برخوردارند. خبرگان به روش نمونه‌گیری گلوله برفی انتخاب شدند و داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار اطلس مدیریت شده است.

**یافته‌ها:** پس از تجزیه و تحلیل متن مصاحبه‌ها، مقوله محوری رابطه حکومت و مردم با عنوان «مردم‌سالاری دینی» احصا شد که ابعاد اصلی خادمیت، اقتدارگرایی، قانون‌گرایی الهی و نظارت و هدایت را دربرمی‌گیرد. پس از شناسایی عوامل علی، میانجی و تعدیل‌کننده، چارچوب نهایی تدوین شد. یافته‌ها نشان داد که تفکر ایدئولوژیک دولت‌مردان، اعتدال‌گرایی (تساهل و تسامح)، التزام به قانون اساسی و تفکر حاکمیتی حکمرانان، از عوامل مؤثر بر رابطه حکومت و مردم هستند. در ضمن نوع رابطه حکومت و مردم می‌تواند پیامدهایی مانند اعتماد عمومی، رضایت عمومی، مشروعیت و شکاف اجتماعی را به‌دنبال داشته باشد.

**نتیجه‌گیری:** تنظیم رابطه حکومت و مردم با رویکرد نهاد قانون اساسی، آثار مثبتی مانند رضایت و اعتماد عمومی به همراه دارد و مشروعیت حکومت را میان مردم افزایش داده و زمینه حذف شکاف اجتماعی را فراهم می‌کند.

**کلیدواژه‌ها:** رابطه حکومت و مردم، مردم‌سالاری دینی، نظام سیاسی، نوع حکومت.

**استناد:** رهنورد، فرج‌اله؛ علی‌پور، حسین؛ دهدار، فرزین؛ خلیلی، حیدر (۱۳۹۸). چارچوب رابطه حکومت و مردم در ایران: رویکرد نهادی. فصلنامه مدیریت دولتی، ۱۱(۱)، ۲۷ - ۴۶.

فصلنامه مدیریت دولتی، ۱۳۹۸، دوره ۱۱، شماره ۱، صص. ۲۷-۴۶

DOI: 10.22059/jipa.2019.263452.2336

دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۱۶، پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۲۵

© دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

## مقدمه

مردم رکن اساسی هر حکومتی محسوب می‌شوند، به‌ویژه در حکومت‌هایی که برخاسته از اراده و خواست مردم هستند. حتی در حکومت‌هایی با ماهیت غیردموکراتیک نیز، مردم اهمیت خاصی دارند؛ زیرا دوام و بقای هر حکومتی به اراده، همکاری و حمایت همه‌جانبه آنها بستگی دارد. در اسلام نیز نقش کلیدی مردم با توجه به دیدی است که نسبت به انسان وجود دارد؛ به نوعی که اسلام انسان‌ها را امانت‌دار، جانشین و حامل روح الهی می‌شمرد؛ خدمت به مردم را وظیفه حاکمان می‌داند و مشورت، نظرخواهی و شریک قرار دادن آنان را نیز از تکالیف حاکمان قلمداد کرده است (ولایی، ۱۳۷۷: ۱۴۶). از این رو، بررسی نظری ساختار رابطه حکومت و مردم و الگویی این رابطه در ادبیات پژوهشی اهمیت شایان توجهی دارد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نظام سیاسی خاصی شکل گرفت که در موارد بسیاری با الگوهای رایج نظام‌های سیاسی در دنیای معاصر تمایز بسیاری دارد. این نظام مبتنی بر اصولی است که آن را تا حد زیادی منحصر به فرد ساخته است. بنابراین، نظر به اینکه نظام جمهوری اسلامی ایران در عرصه نوع رابطه حکومت و مردم و متناسب با این سیستم حکومتی، مصداق و الگوی خارجی و عملی ندارد، فشارهای سیاسی و تبلیغاتی فراوانی علیه نظام جمهوری اسلامی اعمال شده است و آن را به یزدان‌سالاری (تئوکراسی) و نادیده گرفتن نقش و تأثیر مردم متهم کرده‌اند؛ به‌گونه‌ای که حل تعارض بین دین و آزادی و ایجاد توازن بین یزدان‌سالاری و مردم‌سالاری، امروزه یکی از دغدغه‌های اصلی و پیش روی نظام جمهوری اسلامی است. بنابراین، رابطه حکومت و مردم را می‌توان مسئله اساسی و از مفاهیم و مسائل بسیار بارز جامعه و سیاست دانست که بسیاری از جنبه‌های دیگر زندگانی مردم، از عقاید تا رفتار و گفتار را تحت تأثیر قرار می‌دهد (جمشیدی، ۱۳۹۰). به‌علاوه، گروه‌های سیاسی مختلف تبیین متفاوتی از نوع رابطه حکومت و مردم دارند. برای نمونه، برخی از اصول‌گراها بر رابطه قیومیت اصرار دارند، در حالی که گروه‌های اصلاح‌طلب بر وجه مردم‌سالاری در تنظیم رابطه حکومت و مردم تأکید می‌کنند. از این رو، تبیین رابطه حکومت و مردم در چارچوب قانون اساسی می‌تواند در تعدیل این قبیل دیدگاه‌های متعارض اثربخش باشد.

در رابطه حکومت و مردم، مدل‌های مختلفی را می‌توان مدنظر قرار داد که هر یک به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به چنین رابطه‌ای پرداخته‌اند. برای مثال، رهنورد و مهدوی راد (۱۳۹۳) با مطالعه کردن رابطه حکومت و مردم در تراز چشم‌انداز ۱۴۰۴، این رابطه را در ابعاد شش‌گانه پاسخگویی، نظارت متقابل، قانون‌گرایی، مردم‌سالاری دینی، همکاری و شراکت، و خدمت‌تاری تعریف کردند. بی‌شک، در تنظیم رابطه حکومت و مردم می‌توان رویکردهای مختلفی را به کار گرفت که رویکرد نهادی یکی از آنهاست و در این تحقیق مدنظر قرار گرفته است. شایان ذکر است که رابطه هر حکومتی با مردم در چارچوب نهاد اساسی آن کشور صورت می‌گیرد. بنابراین، بدون در نظر گرفتن رویکرد نهادی، تبیین چنین رابطه‌ای واقع‌بینانه نخواهد بود. این تحقیق بر این مفروض استوار است که ساختار اصلی قانون اساسی (قواعد) رفتار دولت‌مردان در برقراری ارتباط با مردم را شکل می‌دهد. تفکر و اندیشه دولت‌مردان (نقش‌آفرینان) متأثر از قواعد اساسی است که خود نحوه تعامل با مردم (رفتار دولت‌مردان) را شکل داده و به پیامدهایی منجر می‌شود.

### پیشینه نظری پژوهش

بررسی ادبیات رابطه حکومت و مردم را می‌توان به دوره معاصر و توسعه تفکرات لیبرالی نسبت داد. در این دیدگاه اندیشمندانی چون هابز، لاک، اسمیت و میل، رابطه حکومت و مردم را مبتنی بر نظریه قرارداد اجتماعی بیان کرده‌اند. در نظریه قرارداد اجتماعی اعتقاد بر این است که حکومت‌ها مبتنی بر خواست مردم عمل می‌کنند (بشپریه، ۱۳۷۸: ۶۵-۶۶). به زبان ساده‌تر این دیدگاه به حکومت حداقلی که مقید به خواست و اراده مردم باشد استوار است.

در این زمینه می‌توان کارل مارکس را پیشرو در امر رابطه حکومت و مردم از دیدگاه جامعه‌شناختی دانست. وی حکومت را محدود به روابط اقتصادی قلمداد می‌کند و جایگاه آن را در چارچوب یک نهاد اجبار می‌داند که وظیفه و کار ویژه اساسی آن، دفاع و خدمت به منافع طبقه حاکم است (وینسنت، ۱۳۹۱: ۲۳۷).

در این میان از دیدگاه دورکیم، حکومت‌های مدرن نتیجه رشد جامعه و پیچیده‌شدن آن از طریق توسعه تقسیم‌کار است، وی درباره رابطه حکومت و جامعه بیان می‌کند که ریشه حکومت‌های استبدادی از جایی نشئت می‌گیرد که در آن هیچ مرجعی قدرت نهاد حکومت را محدود نمی‌سازد. همچنین، پارسونز، شکل‌گیری حکومت را بر اساس یک نظام قانونی می‌داند که مبتنی بر پارلمان و اصالت مردم در غالب شهروندی قرار دارد. بر مبنای این دو اصل رابطه حکومت و مردم مبتنی بر رویکردی دموکراتیک شکل می‌گیرد (بدیع و بیرن بوم، ۱۳۷۹: ۵۱-۵۲). اندرسون نیز با تأکید بر نقش دین مسیحیت، تکیه بر شکل حقوقی نظام سیاسی دارد. مسیحیت با دنیوی شمردن سیاست، پایه مشروعیت نظام سیاسی را در قرارداد بین جامعه و حکومت جست‌وجو کرد و همین امر، نهادینه ساختن آن را سرعت بخشید (اندرسون، ۱۳۹۰: ۳۰-۳۷).

در این رابطه، مطابق نظر اوانز<sup>۱</sup> (۱۹۹۵) آنچه برای تعامل اثربخش بین حکومت و مردم مطلوب است، ترکیب متقارنی از سطح اقتدار و قدرت حکومت و جایگاه و وضعیت جامعه است (لانگ و روشمیر<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵: ۴-۷). از این رو، در پیوند بین حکومت و مردم مفاهیمی همچون حکومت نرم، سست، ناکارآمد، ضعیف، بی‌ظرفیت، جامعه شبکه‌ای و نامنسجم مطرح شده است (اوانز، ۱۹۹۵ و میگدال<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴ و ۱۹۸۸). در این بین نظریه میگدال (۱۹۸۸) با عنوان حکومت ضعیف و جامعه قوی را می‌توان یکی از نظریه‌های مطرح دانست. وی بین حکومت و جامعه هویت مجزایی قائل نیست و ارتباط میان آنها را بر اساس سلطه یکی بر دیگری بیان نمی‌کند، بلکه اعتقاد دارد که هر دو آنها بر یکدیگر تأثیرگذارند (میگدال، ۱۹۸۸: ۱۵). وی معتقد است که حکومت قدرتمند از توانایی زیادی برای رسیدن به اهداف خود، از جمله نفوذ در جامعه، تنظیم روابط اجتماعی و بهره‌برداری از منابع و تخصیص یا استفاده آنها برخوردار است. در مقابل آن، حکومت ضعیف قرار دارد که در ایفای نقش خود، توانایی سازمانی و نهادینه کردن آنها، دچار ضعف است (میگدال، ۱۹۸۸: ۱۹-۲۰).

از این دیدگاه جسوپ<sup>۴</sup> (۲۰۱۰) در حوزه نظریه پردازی حکومت و نوع رابطه آن با مردم، دو دسته عمده را تعیین کرده است که عبارت‌اند از: رویکردهای جامعه‌محور و حکومت‌محور. در رویکردهای جامعه‌محور می‌توان از مارکسیست‌ها، تکثرگرایان و کارکردگرایان ساختاری نام برد. نظریه‌های جامعه‌محور که بیشتر بین جامعه‌شناسان و اقتصاددانان دیده

1. Evans  
3. Migdal

2. Lange, & Reuschmeyer  
4. Jessop

می‌شود، به نقش عامل‌های اجتماعی نظیر نهادها و سازمان‌های اجتماعی در سطح بالا و گروه‌های کوچک و خانواده و شهروندان در سطح پایین تأکید دارند. از سوی دیگر در رویکردهای حکومت‌محور، نظریه‌های اندیشمندانی همچون ماکیاولی، دوتوکویل، وبر و هینتز را می‌توان جای داد. مفروضات این رویکرد بر نهادگرایی کلاسیک مبتنی بوده و به در نظر گرفتن سطوح سلسله‌مراتب (نخبگان یا رهبران سیاسی) اعتقاد دارند (قوام و مالمیر، ۱۳۹۳).

جفری سلرز<sup>۱</sup> (۲۰۱۱) نیز در قالب الگویی چهارگانه، به دسته‌بندی رویکردهای حکومت و مردم اقدام کرده است. این مطالعات شامل دو رویکرد بالا به پایین و پایین به بالاست. در رویکرد بالا به پایین، به نقش نیروها و کنشگران سطح بالای حکومت و جامعه توجه می‌شود و در رویکرد پایین به بالا، نقش نخبگان و کنشگران در کانون توجه قرار دارد (قوام و مالمیر، ۱۳۹۳).

همچنین می‌توان رابطه میان حکومت و مردم را در سه حوزه ارزش‌های فرهنگی، ساختارها و رفتارها بررسی و تحلیل کرد (کاظمی، ۱۳۸۲: ۱۱۹). اگر رابطه حکومت - مردم را از منظر جایگاه و تأثیرگذاری مردم بر سیاست‌ها و اعمال حاکمیت مدنظر قرار دهیم، می‌توانیم طیفی را در نظر بگیریم و در یک‌سو حکومت‌های خودکامه با کمترین تأثیر مردم و در سوی دیگر حکومت حداقلی و تأثیر حداکثری مردم را قرار دهیم.

### انواع رابطه حکومت و مردم

نتیجه مطالب پیش گفته این است که حکومت، شکل و نوع آن، می‌تواند بیان‌کننده نوع خاصی از رابطه حکومت و مردم باشد. انواع رابطه حکومت و مردم را می‌توان در دو گروه طبقه‌بندی و بررسی کرد. گروه اول، طبقه‌بندی کلاسیک است که رویکردها و نظریه‌های بیان شده در ادبیات معاصر (به‌خصوص در غرب) در آن جای دارد و گروه دوم، طبقه‌بندی از دیدگاه اسلام است که در ادبیات دینی فقه شیعه بیان شده است (جدول ۱).

جدول ۱. نظریه‌ها یا رویکردهای مرتبط با رابطه حکومت و مردم

دیدگاه	منبع	رابطه	شرح
دیدگاه کلاسیک	بلوخ (۱۳۶۳)	ارباب و رعیتی	این رویکرد در زمینه رابطه حکومت و مردم، حکومت را دارای اختیار و اقتدار کامل قلمداد می‌کند، تصمیمات اساسی از سوی ارباب (حکومت) اخذ می‌شود و در این راه مردم (رعایا) هیچی اختیار و نقشی ندارند. بنابراین می‌توان گفت مدل رابطه ارباب و رعیتی، مبتنی بر رابطه یک‌سویه است و اختیار و فرامین از بالا به پایین جریان می‌یابد.
	کالاهان <sup>۲</sup> (۲۰۰۷) شچتر <sup>۳</sup> (۱۹۹۵) گور <sup>۴</sup> (۱۹۹۳)	مشتری مداری	در این رویکرد دولت‌مردان در قالب متخصصانی هستند که تصمیماتی عقلایی و عاری از ارزش اخذ می‌کنند. در مقابل مردم، مشتریانی هستند که به خدمات ارائه شده توسط این متخصصان نیاز دارند. مشتریان، دیدگاه خود را نسبت به عملکرد حکومت را از طریق شکایت‌ها یا نظرسنجی‌ها ابراز می‌کنند.

1. Sellers
2. Callahan
3. Schachter
4. Gore

## ادامه جدول ۱

دیدگاه	منبع	رابطه	شرح
دیدگاه کلاسیک	دیویس، شورمن و دونالدسون <sup>۱</sup> (۱۹۹۷) گرین لیف <sup>۲</sup> (۱۹۹۷)	خادمیت	این نظریه مبتنی بر نگرش اجتماعی و روان شناختی است. در این دیدگاه مدیران و دولت‌مردان در قالب خادمینی شناخته می‌شوند که خود را وقف مردم و منافع عمومی کرده و آن را بر منفعت فردی خود اولی می‌دانند.
	نیسکانن <sup>۳</sup> (۱۹۷۵) جنسن و مک‌لین <sup>۴</sup> (۱۹۷۶) دونالدسون و دیویس <sup>۵</sup> (۱۹۹۱)	عاملیت	این نظریه بر مدل انسان اقتصادی و رویکرد مبتنی بر نظریه انتخاب عمومی است که بر نفع‌طلبی انسان استوار است. بر اساس این نظریه، مدیران دولتی تلاش می‌کنند از میان گزینه‌های مختلف، گزینه‌ای را انتخاب کنند که منافع آنان را افزون‌تر سازد. مدیران در پی نفع خویش، نفع صاحبان اصلی (مردم) را نادیده می‌گیرند و خواهان افزایش سود خویش هستند.
	لیندبک و اسنور <sup>۶</sup> (۲۰۰۱)	خودی - غیرخودی	نظریه خودی - غیرخودی <sup>۷</sup> بین حکومت و مردم رابطه عمودی زوجی برقرار می‌کند. برخی از مردم (خودی‌ها) در ارتباط با حکومت از امتیازهای خاصی برخوردار می‌شوند. ارتباط حکومت با غیرخودی‌ها در چارچوب قوانین سخت‌گیرانه تعریف می‌شود.
	شچتر (۱۹۹۵) کالاها (۲۰۰۷)	حاکمیت عمومی	این مدل انعکاس‌دهنده آن است که مردم به‌عنوان صاحبان اصلی کشور، بر کارگزاران حکومت نظارت داشته و مدیران حکومتی بر اساس خواسته‌های آنها عمل می‌کنند.
	فیرحی (۱۳۹۰) به نقل از محقق نائینی (۱۳۵۵-۱۳۷۶ ق)	استعاره وقفی	مطابق این رویکرد، اگر واقف را خداوند، موقوف علیه را انسان یا مردم، ناظر وقف را امام معصوم، موقوف را جهان و شرایط وقف را قوانین الهی فرض کنیم، در این صورت در غیبت معصوم، «ناظر وقف» همان دولت و «موقوف علیه» همان مردم است. پس می‌توان گفت که رابطه دولت و مردم باید بر مبنای رابطه ناظر وقف و موقوف علیه صورت گیرد.
دیدگاه اسلام	قاضی (۱۳۸۳)	حاکمیت الهی	در حکومت دینی، حاکمیت از آن خداوند است و از طریق مردم اعمال می‌شود. در حکومت‌های الهی نه تنها به نیازهای مادی مردم توجه می‌شود، بلکه اصلاح اعتقادی و اخلاقی انسان نیز مدنظر قرار می‌گیرد. بنابراین، رابطه حکومت و مردم یک رابطه هدایتی است.
	گواهی و تقفی (۱۳۹۵)	مباشرتی	مردم یک سرزمین که نسبت به کشور خود مالکیت مشاعی دارند، حق تسلط بر ملک (اموال) خود را دارند (قاعده تسلیط)، اما مشاع بودن آن ایجاب می‌کند که گروهی را از میان خود به‌عنوان مباشر برای اداره کشور در جهت حفظ منافع عمومی انتخاب کنند (حکومت).
	دلیر (۱۳۸۸)	وکالت	مبنای مشروعیت حکومت، عقد وکالتی است که میان مردم و حاکمان منعقد شده است. قلمرو موضوعی این عقد نیز همه امور لازم در اداره و تمشیت جامعه است. بنابراین، مردم می‌توانند در راستای نظارت بر حاکمان، به دلیل جایز بودن عقد وکالت، حاکمان را عزل کنند.
	حجاریان (۱۳۷۹) سروش (۱۳۸۵)	مرید و مراد	جوهر روابط مرید و مراد را عشق و عاطفه و جذبه تشکیل می‌دهد که می‌تواند به نوع خاصی از رابطه حکومت و مردم منجر شود. در این رابطه مردم (مرید) بدون چون و چرا از حکومت (مراد) پیروی می‌کنند.
	فیرحی (۱۳۹۰) حجاریان (۱۳۷۹)	عبد و ولی	تعمیم رابطه «انسان و خداوند» به رابطه «برده و مولی» در کشورداری است؛ یعنی ایجاد رابطه خدایگان و بنده، میان فرمانده (دولت) و فرمانبران (شهروندان).

1. Davis, Schoorman & Donalson  
3. Niskanen  
5. Donaldson, Davis  
7. Insider-outsider theory

2. Greenleaf  
4. Jensen, Meckling  
6. Lindbeck & Snower

## روش‌شناسی پژوهش

از دید روش‌شناسی، پژوهشگران بر این باورند که روش تحقیق کیفی بینش عمیق‌تری را در قبال پدیده‌های فرایندی فراهم می‌سازد. یکی از ویژگی‌های پژوهش کیفی، تعامل فوق‌العاده بین پژوهشگر و محیط پیرامونی است که درک عمیقی از مسئله پژوهش فراهم می‌آورد (بلوم، هارمن، لی، و میچل<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱). با وجود این، انواع مختلفی از راهبردهای کیفی در پژوهش وجود دارد که اغلب در شیوه جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. یکی از این راهبردها، رویکرد نظریه داده‌بنیاد است که به واسطه ویژگی‌های خاص آن در تحقیقات استفاده می‌شود.

نظریه داده‌بنیاد نوعی استراتژی پژوهشی است که در پی تدوین تئوری است و ریشه در داده‌های مفهومی‌ای دارد که به صورت نظام‌مند گردآوری و تحلیل شده‌اند. این استراتژی با استفاده از رویکرد استقرایی داده‌ها (گردآوری و تحلیل داده‌ها به صورت توأم) مفهوم‌سازی می‌کند؛ به گونه‌ای که مدل به‌طور مستقیم از داده‌ها ظاهر شود. این برخلاف رویکرد قیاسی غالب در پژوهش است که با بررسی ادبیات موضوع، چارچوب مفهومی یا تئوری تدوین شده؛ سپس داده‌ها با استفاده از ابزارهای پژوهش جمع‌آوری می‌شوند تا در پی تحلیل آنها، چارچوب مفهومی آزمون شود (اشتراوس و کوربین<sup>۲</sup>، ۱۹۹۰).

نمونه آماری که به‌منظور دستیابی به مدل مفهومی اولیه رابطه حکومت و مردم در فرایند تحقیق مشارکت کردند، ۱۶ تن از خبرگانی بودند که در زمینه موضوع تحقیق و همچنین روابط حاکم در نظام سیاسی ایران آشنایی و اطلاعات کافی داشته و صاحب‌نظر بودند. آمار جمعیت‌شناختی این خبرگان در جدول ۲ ارائه شده است.

ابزار اصلی جمع‌آوری داده‌های تحقیق، مصاحبه بود. در ابتدای هر مصاحبه، محقق توضیحاتی در خصوص موضوع مدنظر برای مصاحبه‌شونده بیان می‌کرد و پس از اطمینان از روشن بودن موضوع برای وی، به مطرح کردن سؤال‌ها می‌پرداخت. پس از هر مصاحبه، از مصاحبه‌شونده درخواست می‌شد که اگر افرادی از نظر وی به موضوع اشراف کامل دارند، معرفی کند؛ سپس با بررسی سابقه علمی و تجربی افراد معرفی شده، نسبت به هماهنگی و انجام مصاحبه با آنان اقدام می‌شد (جدول ۲). مراحل انجام مصاحبه و تجزیه و تحلیل آنها در بازه زمانی آبان ۱۳۹۶ آغاز شد و در فروردین ۱۳۹۷ به پایان رسید.

در این تحقیق، داده‌ها پس از ۱۶ مصاحبه به اشباع نظری رسید. در این میان تلاش شد که به‌منظور جامعیت تحقیق، مصاحبه‌شوندگان از مجموعه‌های مختلفی انتخاب شوند. پس از انجام هر مصاحبه، فایل صوتی نگاشته شده و بعد تجزیه و تحلیل می‌شد. ابزار اصلی تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش نرم‌افزار Atlas Ta بود. در جدول ۳، سؤال‌های اصلی و فرعی پژوهش درج شده است.

## جدول ۲. آمار جمعیت‌شناختی خبرگان

کد خبره	جنسیت	مسئولیت و تخصص	سابقه و تجربه
۱	مرد	هیئت علمی	پژوهشگر ارشد، معاون آموزشی، مدیر گروه آموزشی مدیریت دولتی
۲	مرد	پژوهشگر اجتماعی، روزنامه‌نگار و فعال سیاسی	عضو شورای سردبیری روزنامه، عضو شورای مرکزی حزب سیاسی، مسئول دفتر پژوهش‌های اجتماعی و معاون فرهنگی
۳	مرد	هیئت علمی	پژوهشگر و مدرس
۴	مرد	هیئت علمی، پژوهشگر و فعال سیاسی	معاون آموزش و پژوهشی، معاون حقوقی و امور مجلس، مشاور حقوقی، مشاور حقوقی مدیرعامل، معاون نخست وزیر، استاندار، معاون دانشجویی، مشاور حقوق بین‌المللی، معاونت امور بین‌الملل، رئیس کمیته حقوقی شورای عالی انقلاب فرهنگی، و مدیر گروه علوم سیاسی
۵	مرد	هیئت علمی	حقوقدان و پژوهشگر و عضو پژوهشگاه علمی ابن سینا
۶	مرد	هیئت علمی	پژوهشگر در حوزه علوم سیاسی و عضو هیئت علمی
۷	زن	هیئت علمی	پژوهشگر در حوزه دین و سیاست و همکاری با مراکز علمی پژوهشی
۸	مرد	فعال سیاسی و مدیر مسئول روزنامه	عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و عضو شورای مرکزی جامعه اسلامی مهندسين، وزیر سابق
۹	مرد	هیئت علمی	پژوهشگر در حوزه دین و سیاست و همکاری با مراکز علمی و پژوهشی در موضوعات دینی و سیاسی
۱۰	مرد	هیئت علمی	پژوهشگر در حوزه حقوق عمومی
۱۱	مرد	فعال سیاسی و مدیر مسئول روزنامه	روزنامه‌نگار و سیاستمدار، عضو هیئت امنای سازمان جهانی تبلیغات IAA در جمهوری اسلامی ایران است. سابقه اجرایی پست‌های مختلف در وزارت کشور.
۱۲	مرد	هیئت علمی	پژوهشگر در حوزه علوم سیاسی و دینی
۱۳	مرد	فعال سیاسی و مدیر مسئول روزنامه	پژوهشگر در حوزه علوم سیاسی و دینی، نماینده رئیس‌جمهور در دانشگاه مذاهب اسلامی، مشاور رئیس‌جمهور، عضو هیئت‌امنا موسسه فرهنگی خراسان، عضویت در شورای نظارت بر صداوسیما، عضویت در هیئت‌منصفه دادگاه مطبوعات
۱۴	مرد	هیئت علمی	پژوهشگر در حوزه حقوق عمومی، عضو هیئت‌علمی و مشاور در وزارت علوم
۱۵	مرد	هیئت علمی	نماینده دوره چهارم مجلس، عضو شورای راهبردی پژوهشگاه، مدیر گروه پژوهش سیاسی، معاون پژوهشی، عضو شورای نظارت بر نشر کتاب
۱۶	مرد	فعال سیاسی	پژوهشگر در حوزه سیاست، معاون بین‌الملل وزیر ارشاد، معاون سیاسی وزارت کشور، سرپرست وزارت کشور، مشاور وزیر علوم، مشاور رئیس‌جمهور.



## جدول ۳. راهنمای مصاحبه نیمه ساخت یافته

سؤال‌های اصلی	سؤال‌های فرعی
ابعاد و مؤلفه‌های رابطه حکومت و مردم در چارچوب قانون اساسی ج.ا.ا. کدامند؟	<p>۱. تا چه حد با مفهوم رابطه حکومت و مردم از دیدگاه قانون اساسی آشنا هستید؟</p> <p>۲. آیا نوع رابطه حکومت و مردم از دیدگاه قانون اساسی را برای شرایط کشور ما مناسب می‌دانید؟</p> <p>۳. چه ابعاد یا مؤلفه‌هایی را برای سنجش رابطه حکومت و مردم پیشنهاد می‌کنید؟</p> <p>۴. تعریف شما از رابطه حکومت و مردم با رویکرد نهادی چیست؟</p>
دغدغه‌های مهم برای استقرار رابطه حکومت و مردم مبتنی بر قانون اساسی کدامند؟	<p>۱. آیا با الگوهای مختلف رابطه حکومت و مردم در سایر کشورها آشنا هستید؟</p> <p>۲. در تعمیق رابطه حکومت و مردم از دیدگاه قانون اساسی ج.ا.ا. چه عواملی را مؤثر می‌دانید؟</p> <p>۳. بر اساس تجربه شما، موانع استقرار این نوع رابطه در ایران کدامند؟</p> <p>۴. چگونه می‌توان زمینه‌های لازم برای استقرار چنین رابطه‌ای را بین حکومت و مردم فراهم ساخت؟</p> <p>۵. برای استقرار رابطه حکومت و مردم از دیدگاه قانون اساسی، چه اقداماتی در ایران انجام شده است؟</p>
پیامدهای استقرار رابطه حکومت و مردم مبتنی بر قانون اساسی کدامند؟	<p>۱. خط‌مشی‌گذاران دولتی برای تعمیق رابطه حکومت و مردم از دیدگاه قانون اساسی، چه اهدافی را دنبال می‌کنند؟</p> <p>۲. دولت برای استقرار چنین رابطه‌ای چه سیاست‌ها و راهبردهایی را تدوین کرده است؟</p>
شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر در استقرار رابطه حکومت و مردم از دیدگاه قانون اساسی چگونه است؟	<p>۱. وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی حاکم بر ایران چه الزاماتی را در استقرار رابطه حکومت و مردم از دیدگاه قانون اساسی تحمیل می‌کند؟</p> <p>۲. چه عواملی در استقرار چنین رابطه‌ای مداخله کرده و استقرار آن را تحت‌الشعاع قرار می‌دهند؟</p>

## تجزیه و تحلیل داده‌ها

کدگذاری، اساس فرایند تحلیلی در نظریه پردازی داده‌بنیاد است. در این رویکرد از سه نوع کدگذاری استفاده می‌شود: کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۰).

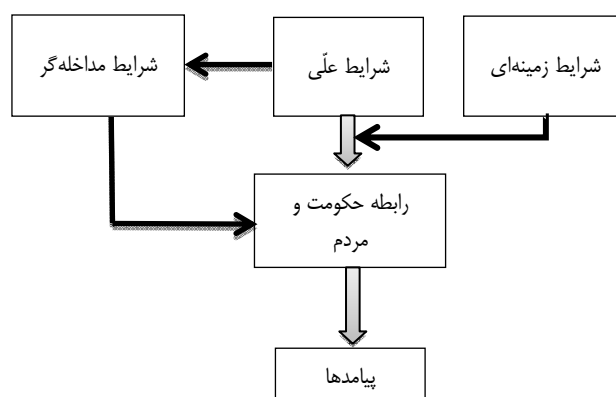
## الف) کدگذاری باز

در مرحله اول با مطالعه و بررسی متن مصاحبه‌ها، کدهای اولیه‌ای از واژه‌ها، جمله‌ها و پاراگراف‌هایی که نشان‌دهنده آن کد بوده‌اند، استخراج شدند. کدگذاری باز نوعی فرایند تفسیری است که از طریق تجزیه و تحلیل داده‌ها انجام می‌پذیرد. هدف از کدگذاری باز این است که از طریق تفسیر پدیده‌ها در ذهن تحلیلگر بینش جدیدی ایجاد شود. در کدگذاری باز اتفاق‌ها/کنش‌ها/تعامل‌ها با یکدیگر مقایسه می‌شوند تا شباهت‌ها و تفاوت‌ها مشخص شود و در نهایت یک مشخصه، مفهوم پیدا کند. در این مسیر اتفاق‌ها/کنش‌ها/تعامل‌های مشابه در دسته‌های مفهومی گروه‌بندی می‌شوند تا مقوله‌های اصلی و فرعی ایجاد شوند (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۰). در این پژوهش کلیه مصاحبه‌ها به شکل کامل نوشته شد. پس از کدگذاری هر ۱۶ مصاحبه انجام‌شده، در مجموع ۲۳۵۴ کد اولیه به‌دست آمد.

## ب) کدگذاری محوری

در کدگذاری محوری از طریق پیوند بین یک مقوله اصلی و فرعی، داده‌ها را به هم پیوند می‌دهند. بدین ترتیب، کدگذاری محوری فرایند شکل‌دهی مقوله اصلی و مقوله‌های فرعی است. از طریق پارادایم کدگذاری شرایط، زمینه‌ها و

مقوله‌های فرعی به مقوله‌های اصلی مرتبط می‌شوند (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۸). در این مرحله پژوهشگر می‌تواند برای تسهیل شناسایی ارتباط میان مقوله‌ها، از پارادایم‌های کدگذاری مختلفی استفاده کند، اما باید از بین طرح‌های موجود، طرحی را انتخاب کند که تصویر معتبرتری از تئوری ارائه شود (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۸). در این پژوهش از پارادایم کدگذاری نیمه‌ساخت‌یافته اشتراوس و کوربین استفاده شده است. بعد از بررسی کدهای اولیه استخراج‌شده و با تحلیل و بررسی مجدد آنها، مقوله‌های اصلی و فرعی در ابعاد چارچوب رویکرد داده‌بنیاد اشتراوس و کوربین تدوین شدند (شکل ۱).



شکل ۱. چارچوب تحقیق کیفی

منبع: لاک<sup>۱</sup> (۲۰۰۱)

در پارادایم کدگذاری اشتراوس و کوربین:

۱. شرایط علی، مقوله‌های مربوط به شرایط تأثیرگذار بر پدیده محوری هستند؛
۲. زمینه‌ها، شرایط خاصی هستند که بر پدیده محوری تأثیر می‌گذارند؛
۳. پدیده محوری، صورت ذهنی از پدیده‌ای است که اساس فرایند است؛
۴. شرایط واسطه‌ای، شرایط عمومی‌ای هستند که بر اثر تغییر در علت‌ها تغییر می‌یابند و بر پدیده محوری مؤثرند؛
۵. پیامدها مقوله‌هایی هستند که در اثر تحقق کنش‌ها و تعامل‌ها ایجاد می‌شوند.

در این پژوهش برای طراحی مدل رابطه حکومت و مردم به عنوان پدیده محوری، عوامل علی، شرایط واسطه‌ای (میانجی) و عوامل زمینه‌ای مؤثر بر رابطه حکومت و مردم و پیامدهای آن بررسی شده است. در جدول ۴ توزیع فراوانی کدهای به‌دست‌آمده در تحقیق ارائه شده است.

جدول ۴. تعداد کدهای اولیه، ثانویه، مفاهیم و مقولات

مقوله	مفهوم ثانویه	مفهوم اولیه	کد اولیه	عبارت
۲۴	۶۵	۲۲۴	۸۹۷	۲۳۵۴

نمونه‌ای از کدهای باز، مفاهیم اولیه و مقوله‌های استخراج شده در جدول ۵ مشاهده می‌شود. این مصاحبه ناظر بر شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های رابطه حکومت و مردم در پرتو قانون اساسی ج.ا.ا. بود که پنج مؤلفه برای تبیین این نوع رابطه در مصاحبه با یکی از خبرگان شناسایی شد.

جدول ۵. کدهای باز، مفهومی‌ها و مقوله‌های شناسایی شده از مصاحبه با یکی از خبرگان

مقوله	مفاهیم	کدگذاری باز	کد	نکات کلیدی
رابطه نمایندگی	دولت نماینده	انتخابی بودن رئیس جمهور	۱-۱	الزام قانون اساسی به برگزاری انتخابات رئیس‌جمهور
	دولت نماینده	برگزاری انتخابات فراگیر	۱-۲	اداره کشور به اتکای آرای عمومی
	دموکراسی نماینده	برگزاری انتخابات	۱-۳	اعمال قوه مقننه از طریق نمایندگان منتخب مردم
	دموکراسی مستقیم	برگزاری رفراندوم	۱-۴	مراجعه به آرای عمومی در مسائل مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی - فرهنگی
	حاکمیت ملت	حاکمیت ملت	۱-۵	حق حاکمیت ملت و قوای ناشی از آن
	تصمیم‌گیری مشارکتی	مشارکت در امور	۱-۶	تشکیل شوراهای کشوری در سطوح مختلف
رابطه نظارتی	نظارت دوطرفه	امر به معروف و نهی از منکر	۱-۷	امر معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی
	تأمین حقوق مردم	رسیدگی به شکایات	۱-۸	رسیدگی به شکایات و اعتراضات مردم از دولت
	نظارت زیست‌محیطی	حفظ محیط‌زیست	۱-۹	حفاظت محیط‌زیست وظیفه عمومی
	کنترل سلامت اداری	بازرسی مبتنی بر شکایت	۱-۱۰	نظارت بر حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری
رابطه پاسخگویی	پاسخگویی اجتماعی	شکایت مردم	۱-۱۱	حق شکایت مردم از قوای سه‌گانه
	پاسخگویی اجتماعی	مطالبات مردمی از دولت	۱-۱۲	تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها
رابطه هدایتی	هدایت و رهبری جامعه	ولایت فقیه	۱-۱۳	اعمال ولایت امر و امامت امت از طریق فقیه عادل، با تقوی، شجاع، مدیر و مدبر.
	استقرار قانون الهی	خطمشی‌گذاری مبتنی بر شرع	۱-۱۴	منشأ قوانین مبتنی بر خواست خداوند تبارک و تعالی
	حاکمیت ارزش‌های اسلامی	رعایت اصول و موازین اسلامی	۱-۱۵	تأکید بر ابتنای کلیه قوانین و مقررات بر اصول و موازین اسلامی در اصل چهارم
رابطه خادمیت	تأمین حقوق مردم	حقوق ملت	۱-۱۶	الزام قانون اساسی به رعایت حقوق مردم در اصول
	خدمتگزاری	وظایف دولت	۱-۱۷	وظایف دولت در اصل سوم، نشان‌دهنده دولت خدمتگزار است
	تأمین حقوق زنان	تأمین حقوق مادی و معنوی زنان	۱-۱۸	وظیفه دولت در تضمین حقوق زن
	تأمین اجتماعی	تأمین اجتماعی	۱-۱۹	وظیفه دولت در تأمین اجتماعی برای همگان
	تأمین منافع عمومی	منافع عمومی	۱-۲۰	تأمین منافع ملی و پاسداری از حاکمیت ملی

### ارزیابی اتکاپذیری یافته‌ها

طراحی روش‌شناسی و طرح تحقیق این پژوهش به نحوی است که بتواند داده‌ها و تفسیرهایی مناسب و موثق را برای پاسخگویی سازمان‌های دولتی ارائه دهد. جدول ۶ خلاصه‌ای از معیارهای سنجش کفایت فرایند تحقیق و کیفیت داده‌ها

و تفسیرها را نشان می‌دهد. به تبعیت از صاحب‌نظران تحقیقات کیفی (لینکلن و گوبا<sup>۱</sup>، ۱۹۸۵؛ گلیسر و اشتراوس<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶؛ چارمز<sup>۳</sup>، ۲۰۰۶؛ اریکسون و کوالاینن<sup>۴</sup>، ۲۰۱۶) برای ارزیابی قابل اتکا بودن داده‌ها و تفسیرها، ترکیبی از معیارهای به‌کار رفته در ارزیابی تحقیقات تفسیری و تحقیقات مبتنی بر روش‌شناسی نظریه برخاسته از داده‌ها استفاده شد. در این خصوص، معیارهای لینکلن و گوبا (۱۹۸۶) شامل: اعتمادپذیری، انتقال‌پذیری، اتکاپذیری و تصدیق‌پذیری؛ معیارهای چارمز (۲۰۰۶: ۵۲۷) شامل: اعتمادپذیری، اصیل بودن، بازآوایی، و مفید بودن و معیارهای اولیه نظریه برخاسته از داده‌های گلیسر<sup>۵</sup> (۱۹۷۸: ۴) شامل مناسب بودن، عملی بودن، مرتبط بودن و تعدیل‌پذیری، معروفیت بیشتری دارند.

### جدول ۶. ارزیابی اتکاپذیری یافته‌های تحقیق

معیار	شرح
اعتمادپذیری: درجه تطبیق یافته‌های تحقیق با داده‌های تحقیق	<ol style="list-style-type: none"> <li>۱. بررسی چندین باره سؤال‌های مصاحبه نیمه‌ساخت یافته به‌منظور شفاف‌بودن سؤال‌ها؛</li> <li>۲. ارسال خلاصه‌ای از طرح تحقیقی پژوهش به‌منظور آماده‌بودن ذهن مصاحبه‌شونده؛</li> <li>۳. دقت پژوهشگر و چندین بار بررسی کدهای اتخاذشده از مصاحبه‌ها؛</li> <li>۴. گردآوری اطلاعات کافی با رعایت اشباع نظری؛</li> <li>۵. بررسی و پالایش نظریه صورت‌بندی شده با چند نفر از خبرگان</li> </ol>
انتقال‌پذیری: درجه کاربرد یافته‌های تحقیق در دیگر موقعیت‌های مشابه	<ol style="list-style-type: none"> <li>۱. نمونه‌گیری نظری و هدفمند؛</li> <li>۲. اطلاعات ارائه‌شده درباره پدیده تحت بررسی، از کفایت لازم برای ارزیابی امکان انتقال یافته‌ها به موقعیت‌های مشابه برخوردار است؛</li> <li>۳. مفاهیم نظری ارائه‌شده، از داده‌های تمام مصاحبه‌شوندگان این مطالعه استخراج شد.</li> </ol>
اتکاپذیری: درجه ثبات و پایداری تبیین‌های صورت گرفته در طول زمان	<ol style="list-style-type: none"> <li>۱. احصای تجربیات جاری و پیشین خبرگان درباره موضوع تحقیق؛</li> <li>۲. رعایت ابزارهای روش‌شناختی در طول تحقیق؛</li> <li>۳. مستندسازی جامع مصاحبه‌ها از طریق نرم‌افزار اطلس</li> </ol>
تصدیق‌پذیری: درجه عینیت‌گرایی تحقیق و اجتناب از تورش و پیش‌داوری محقق	<ol style="list-style-type: none"> <li>۱. مرور مصاحبه‌های پیاده شده و ارزیابی تفسیرهای محقق از سوی دیگران؛</li> <li>۲. بسط و پالایش تفسیرها از طریق تأیید خلاصه الگوی صورت‌بندی شده توسط ۳ تن از خبرگان.</li> </ol>
بازآوایی: توانایی پژوهشگر در احصای معانی و تفاسیر تحلیلی	<ol style="list-style-type: none"> <li>۱. مصاحبه‌ها و اختصاص زمان کافی به آنها، پرده از ماهیت پیچیده پدیده در دست بررسی برداشت؛</li> <li>۲. تطبیق یافته‌ها با مبانی نظری و روش‌شناسی تحقیق کیفی؛</li> <li>۳. تسلط پژوهشگر به نرم‌افزارهای مدیریت داده‌ها؛</li> <li>۴. انجام مصاحبه‌ها به‌صورت حرفه‌ای، بی‌نام و در فضایی دوستانه.</li> </ol>
مفید بودن: جنبه‌های عملی نتایج تحقیق	<ol style="list-style-type: none"> <li>۱. قابلیت کاربرد یافته‌ها در خط‌مشی‌گذاری عمومی؛</li> <li>۲. سهم علمی یافته‌ها در تدوین مدل بومی.</li> </ol>
اصیل بودن	<ol style="list-style-type: none"> <li>۱. جدید بودن برخی از مفاهیم احصا شده؛</li> <li>۲. معنادار بودن یافته‌ها در شرایط ایرانی؛</li> <li>۳. برخی از یافته‌های پژوهش، مفاهیم و ایده‌های موجود را به چالش می‌کشند.</li> </ol>
تعدیل‌پذیری: توانایی نظریه برای تعدیل مستمر	چارچوب احصا شده، از ظرفیت لازم برای اصلاح و تعدیل در طول زمان مبتنی بر یافته‌های جدید برخوردار است.

1. Lincoln, & Guba  
3. Charmaz  
5. Glaser

2. Glaser, & Strauss  
4. Eriksson, and Kovalainen

### یافته‌های پژوهش

در مصاحبه‌های انجام‌شده با خبرگان سعی شد که ابعاد و مؤلفه‌های رابطه حکومت و مردم احصا شود. در مصاحبه‌ها به بررسی رابطه حکومت و مردم (پدیده محوری) در ایران پرداخته شد. از نظر خبرگان، رابطه حکومت و مردم در پدیده اصلی تحقیق مبتنی است بر رویکرد نظام «مردم‌سالاری دینی» که ابعاد خادمیت، نظارت و هدایت، قانون‌گرایی الهی و اقتدارگرایی را دربردارد. پیامدهای این نوع رابطه حکومت و مردم نیز در چارچوب مفاهیم مشروعیت، رضایت عمومی، اعتماد عمومی و شکاف اجتماعی توصیف می‌شود.

در ادامه نتایج کسب‌شده از تحقیق، مقوله‌های محوری، اصلی و فرعی همراه با توزیع فراوانی آنها ارائه شده است. این عناصر شامل، عوامل علی، پدیده اصلی (مقوله محوری رابطه حکومت و مردم)، عوامل زمینه‌ای، عوامل میانجی و پیامدهاست (جدول ۶).

جدول ۷. فراوانی مقولات و مفاهیم مرتبط

فراوانی کدهای اولیه	فراوانی مقوله فرعی	فراوانی مقوله اصلی	مقوله فرعی	مقوله اصلی		
۱۹۲	۷۶	۳	خدمتگزاری	خادمیت	مردم‌سالاری دینی	
		۴	تحدید حکومت			
		۲	انتخابی بودن حکمرانان			
		۴	حقوق شهروندی			
	۲۱	۳	هدایتگری	نظارت و هدایت		
		۳	رویکرد عمودی به قدرت			
	۶۱	۲	نقش بارز رهبری	اقتدارگرایی		
		۳	عوام‌گرایی			
		۲	قدرت فراقانونی			
		۳	تحدید حقوق مردم			
	۳۴	۳	تمرکز قدرت	قانون‌گرایی الهی		
			۵			دین‌محوری حکومت
۲			نگاه حاکمیت فقهی			
۲۸	۲	۲	سنت‌گرایی و محافظه‌کاری	تفکر ایدئولوژیک دولت‌مردان	عوامل علی	
		۸	نوع تفکر سیاسی دولت‌مردان			
	۱۹	۸	نوع تفکر دینی - مذهبی	اعتدال‌گرایی (تساهل و تسامح)		
		۳	آزادی بیان و عقیده			
	۳۷	۲	مدارا با مخالفان سیاسی	التزام به قانون اساسی		
			۱			التزام به حقوق مردم
			۴			قانون‌مداری
			۶			چندگانگی قانون اساسی
۲۷	۳	۷	نقش و جایگاه ولایت فقیه	تفکر حاکمیتی حکمرانان		
		۳	حاکمیت الهی			
		۳	حاکمیت مردمی			

## ادامه جدول ۷

کدهای اولیه فراوانی	فراوانی مقوله فرعی	فراوانی مقوله اصلی	مقوله فرعی	مقوله اصلی	
۱۸۲	۳۶	۳	توزیع درآمد - فقر و نابرابری	رفاه عمومی	عوامل و شرایط زمینهای
		۴	نامانی اقتصادی		
		۴	سطح رشد و توسعه اقتصادی		
	۳۲	۴	فرهنگ سیاسی	عوامل و شرایط سیاسی	
		۳	شکافهای سیاسی		
	۲۰	۶	مسائل بین المللی	عوامل و شرایط منطقه‌ای و بین المللی	
		۴	نهادهای بین المللی		
	۱۶	۱	شبکه‌های مجازی و اجتماعی	فناوری ارتباطی	
		۲	ابزار و تجهیزات ارتباطی		
	۴۱	۲	تنوع فرهنگی - قومی	ویژگی‌های جامعه	
		۲	ویژگی‌های تاریخی - سرزمینی		
	۳۷	۱	سلطه‌گرایی	عوامل روان‌شناختی جامعه	
۶		فرد محوری			
۳		تقدیرگرایی، آخرت‌گرایی			
۲۳۹	۳۷	۶	اطلاع‌رسانی و دسترسی به اطلاعات	تمایل به اطلاع‌رسانی (شفافیت)	عوامل میانی
		۳	مسئولیت‌پذیری حکمرانان		
		۱	نقدپذیری دولت‌مردان		
	۵۱	۳	نظارت عمومی	تمایل به پاسخگویی اجتماعی	
		۳	دولت باز		
		۳	تشکل و جناح‌های سیاسی پویا		
	۴۸	۵	حقوق مدنی و سیاسی	دموکراسی خواهی	
		۶	حریم حوزه خصوصی		
		۶	انتخابات آزاد و عادلانه		
۳۰	۲	جامعه مدنی پویا	مطالبه‌گری جامعه مدنی		
	۲	آزادی مدنی			
	۲	رسانه‌های گروهی			
۳۷	۴	مصلحت‌گرایی	تطبيق پذیری		
	۴	تحول‌گرایی			
	۴	انطباق و سازگاری			
۳۶	۳	میل مطالبه‌گری مردم	مطالبه‌گری مردم		
	۲	وجود فرهنگ مطالبه‌گری			
	۱	بستر مطالبه‌گری			
	۱	بلوغ فکری و سطح آگاهی مردم			
۱۱۴	۲۷	۲	مشروعیت الهی	مشروعیت	نتیج و پیامدها
		۳	مشروعیت مردمی		
	۲۹	۶	نشاط اجتماعی	رضایت عمومی	
		۳	مشارکت عمومی		
	۲۹	۴	دوگانه‌سازی و شکاف اجتماعی	شکاف اجتماعی	
		۵	تعارضات اجتماعی		
	۲۸	۵	اعتماد به کارگزاران حکومت	اعتماد عمومی	
		۴	اعتماد به حکومت و نهادهای حکومتی		

### نتایج حاصل از کدگذاری باز و محوری

در این مرحله و پس از استخراج مقوله‌های تحقیق، ماتریس کیفی ناظر بر مقوله‌های اصلی پژوهش ارائه شده است. داده‌های جدول ۸ نشان می‌دهد که در خصوص مقوله‌های احصا شده توافق نظر چشمگیری بین خبرگان دیده می‌شود.

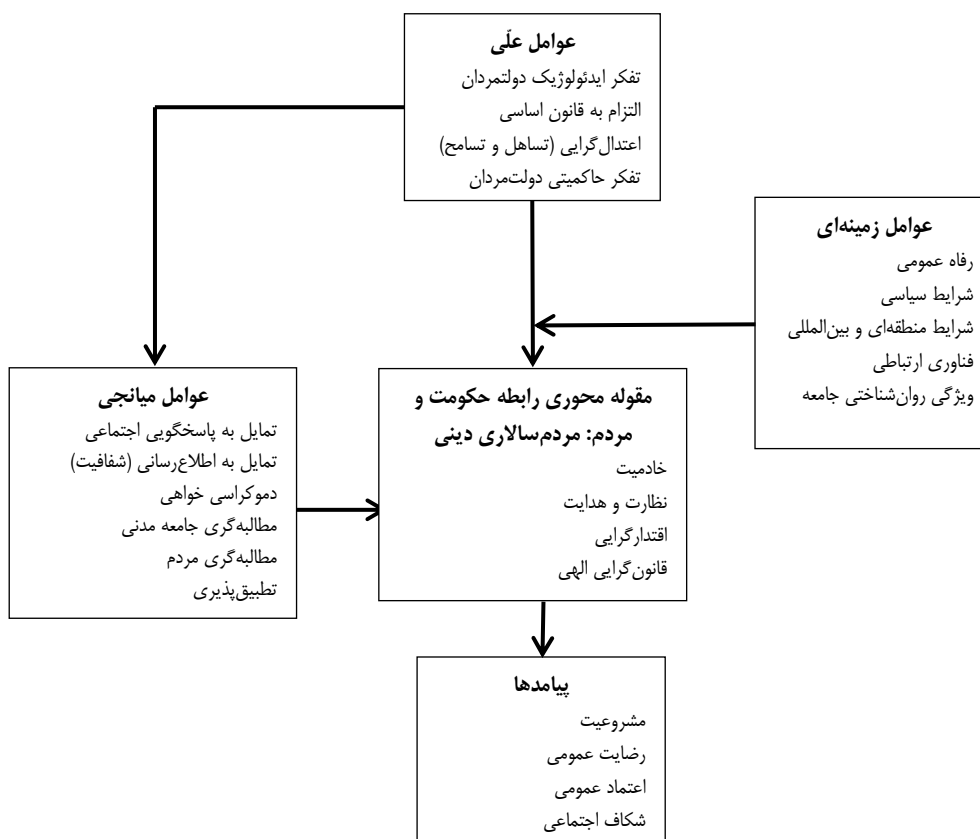
جدول ۸. ماتریس کیفی ناظر بر مقوله‌های اصلی

کد خبره	مقوله‌های اصلی	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶
۱	خادمیت	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۲	نظارت و هدایت	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۳	اقتدارگرایی	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۴	قانون‌گرایی الهی	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۵	تفکر ایستدئولوژیک دولت‌مردان	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۶	اعتدال‌گرایی (تساهل و تسامح)	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۷	التزام به قانون اساسی	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۸	تفکر حاکمیتی حکمرانان	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۹	رفاه عمومی	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۱۰	شرایط سیاسی	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۱۱	عوامل و شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۱۲	فناوری ارتباطی	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۱۳	ویژگی‌های روان‌شناختی جامعه	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۱۴	تمایل به اطلاع‌رسانی (شفافیت)	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۱۵	تمایل به پاسخگویی اجتماعی	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۱۶	دموکراسی خواهی	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۱۷	مطالبه‌گری جامعه مدنی	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۱۸	تطبیق‌پذیری	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۱۹	مطالبه‌گری مردم	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۲۰	مشروعیت	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۲۱	رضایت عمومی	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۲۲	اعتماد عمومی	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۲۳	شکاف اجتماعی	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*

### شکل‌گیری نظریه

بعد از تجزیه و تحلیل‌های انجام‌شده با روش تحلیل رفت و برگشتی، مقوله‌های محوری، اصلی و فرعی به‌دست آمدند. در اینجا الگوی کلی بر مبنای پدیده اصلی «رابطه حکومت و مردم» استخراج شده است؛ اما به‌منظور تکمیل بحث و

بسط پدیده اصلی تحقیق «رابطه حکومت و مردم» و ایجاد تئوری کامل‌تری از مدل نهایی، ارتباط بین مقوله‌ها نیز بررسی و رابطه آنها شناسایی شده است. این ارتباطات را می‌توان در قالب چند قضیه بیان کرد و به شکل فرضیه‌هایی در آزمون مدل استخراج‌شده اندازه گرفت. چارچوب رابطه حکومت و مردم در شکل ۲ به نمایش گذاشته شده است.



شکل ۲. چارچوب رابطه حکومت و مردم در ایران با رویکرد نهادی

## بحث و نتیجه‌گیری

امروزه یکی از مباحث اساسی‌ای که در کانون توجه اندیشمندان و صاحب‌نظران قرار دارد، رابطه حکومت و مردم است. الگوها و رویکردها مختلفی در این رابطه مطرح شده است. هر رویکردی بنا به ماهیت خود، شکل خاصی از رابطه را فراهم می‌کند. با توجه به اهمیت نوع رابطه حکومت و مردم در حاکمیت عمومی، می‌توان گفت شناخت و فراهم‌کردن رابطه‌ای که مبتنی بر تعامل پویا بین حکومت و مردم باشد، یک گزینه نیست، بلکه ضرورت راهبردی است. باید توجه کرد که چگونه حکومت‌های مختلف برای نیل به سطح بالاتری از نتایج مدنظر با مردم تعامل برقرار می‌کنند (بوارد و لافلر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹).

1. Bovaird, & Löffler



با توجه به تغییر سریعی که در شرایط محیطی و فناوری‌های ارتباطی رخ می‌دهد، زمینه مطالبه‌گری بیشتری برای مردم فراهم شده است؛ از این رو توجه به خواست و مطالبات مردم نیز ضرورت بیشتری یافته است که حکومت باید با اصلاح و به‌روزرسانی خود نسبت به برآورد خواسته‌های مردم عمل کند. بنابراین، تکیه صرف بر سازوکارهای ارتباط سنتی، جواب‌گوی نیاز جامعه امروز نیست.

در این پژوهش از ابعاد و مؤلفه‌های «مردم‌سالاری دینی»<sup>۱</sup> به‌مثابه رابطه حکومت و مردم در پرتو قانون اساسی ج.ا.ا و در قالب مقوله‌های خادمیت، قانون‌مداری الهی، اقتدارگرایی و نظارت و هدایت تعریف عملیاتی شد و متغیرهای تفکر ایدئولوژیک دولت‌مردان، التزام به قانون اساسی، اعتدال‌گرایی (تساهل و تسامح) و تفکر حاکمیتی دولت‌مردان با عنوان عوامل علی مؤثر بر رابطه حکومت و مردم استخراج شدند. همچنین عوامل میانجی شناسایی شده در این پژوهش شامل تمایل به پاسخگویی اجتماعی، تمایل به اطلاع‌رسانی (شفافیت)، دموکراسی‌خواهی، مطالبه‌گری جامعه مدنی و مطالبه‌گری مردم، هستند. عوامل زمینه‌ای استخراج‌شده از تحقیق، رفاه عمومی، شرایط سیاسی، شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی، فناوری ارتباطی و ویژگی روان‌شناختی جامعه هستند. در نهایت متغیرهایی که به‌عنوان پیامد و نتیجه رابطه حکومت و مردم شناسایی شدند، عبارت‌اند از: اعتماد عمومی، رضایت عمومی، مشروعیت و شکاف اجتماعی.

از دیدگاه خبرگان، عوامل فرهنگی همچون نداشتن فرهنگ مطالبه‌گری در جامعه و بی‌اطمینانی محیطی و نبود بستر تاریخی، موجب شده است که حکمرانان برای پاسخگویی اجتماعی تمایل کمتری داشته باشند. همچنین وجود مردم آگاه و سازمان‌های مردم‌نهاد و تعهد و مسئولیت‌پذیری آنها کمک می‌کند که نسبت به حقوق و مسئولیت‌های خود، آگاهی کافی داشته باشند و در نتیجه با آگاهی در تعاملی پویا با حکومت، نقش و مطالبه‌گری خود را اجرا کنند. به باور خبرگان، جامعه مدنی نقش مهمی در زمینه نوع رابطه حکومت و مردم دارد. فشارهایی که از سوی رسانه‌های فعال و منتقد وارد می‌شود، همراه با نقش فعالانه جامعه مدنی، می‌تواند زمینه‌ساز رابطه‌ای پویا بین حکومت و مردم شود.

نوع رویکرد ایدئولوژیک و حاکمیتی دولت‌مردان و تمایل آن به شکل‌گیری مشارکت عمومی، بر میزان دموکراتیک بودن رابطه حکومت و مردم تأثیرگذار است. همچنین تمایل و پابندی به قوانین حمایت‌کننده، حضور مردم در فعالیت‌های اجتماعی و حمایت از آزادی بیان، تأثیر مهمی در حضور و ایفای نقش آنها به‌عنوان ناظر و مسئولیت‌پذیری حکمرانان خواهد داشت.

خبرگان به این موضوع نیز اشاره کردند که شتاب رشد فناوری، الزامات بین‌المللی، بهبود زیرساخت‌های ارتباطی - الکترونیکی و سیستم‌های فناوری اطلاعات، زمینه تغییر شکل روابط حکومت و مردم از شکل سنتی به رویکرد مبتنی بر فناوری را فراهم می‌کنند که می‌تواند زمینه‌ساز شفافیت، اطلاع‌رسانی بیشتر و روشن‌تر و همچنین تغییر ماهیت رسانه‌ها باشد.

۱. گفتنی است که واژه مردم‌سالاری در رابطه حکومت و مردم ناظر بر دموکراسی روشی است نه دموکراسی ارزشی. دموکراسی روشی، ناظر بر شرکت مردم در انتخابات برای گزینش حاکمان و اداره جامعه بر مبنای صلاح‌دید نخبگان انتخاب شده است، در حالی که در دموکراسی ارزشی (Value) حاکمیت با مردم و منشأ قانون‌گذاری خواست و اراده مردم است. به سخن دیگر، نوع رابطه احصا شده «مردم‌سالاری دینی»، ناظر بر دموکراسی روشی است.

عملکرد سازمان‌ها و نهادهای حکومتی نیز می‌تواند در نوع برداشت و تعامل مردم با حکومت تأثیرگذار باشد؛ زیرا نوع ادراک مردم از عملکرد سازمان‌ها، زمینه رضایت یا ناراضایتی آنها را فراهم می‌کند. عامل مهم و تأثیرگذار، نقش رسانه‌های آزاد و مستقل است که موجب می‌شود اطلاع‌رسانی، آگاهی‌بخشی و بسیج افکار عمومی در خصوص مطالبات آنها و پاسخگویی اجتماعی حکومت به‌درستی ایفا شود. از نقش‌های دیگر رسانه‌ها، نقش نظارتی آنهاست؛ به‌طوری که با نظارت بر عملکرد کارگزاران حکومت و سازمان‌های مربوطه، نقش ارتباطی و افشاگری در خصوص تخلفات ایفا می‌شود. پایش رسانه‌ای نیز موجب می‌شود سطح آگاهی‌های مردم و مطالبه‌گری آنها از حکومت افزایش یابد.

خبرگان اذعان داشتند که میزان پاسخگویی اجتماعی حکومت و تمایل به شفافیت در عملکرد، اعتماد و رضایت مردم را در پی دارد. صاحب‌نظران معتقدند که پاسخگویی اجتماعی حکومت و مطالبه‌گری مردم موجب خواهد شد که مشارکت در جامعه شکل گرفته و تقویت شود و در نهایت رضایت عمومی را فراهم کند. از نظر آنان استقرار پاسخگویی اجتماعی با ارتقای همبستگی و همدلی بین افراد جامعه، رشد و تعالی اصول اخلاقی در جامعه، افزایش اعتماد و رضایت عمومی جامعه را موجب شود. چنین نتیجه‌ای منطقی است. در حقیقت بهبود رابطه حکومت و مردم تنها در سایه اعتماد عمومی مردم محقق می‌شود، در این صورت حکومت‌ها زمانی قادرند که مشارکت و همکاری مردم خود را افزایش دهند که بتوانند اعتماد آنان را نسبت به خود جلب کنند. به همین دلیل است که حکومت‌ها همواره باید نسبت به میزان اعتماد در جامعه حساس باشند تا در شرایط سختی و ناکامی، از حمایت مردم برخوردار شوند و حکومت دوام بیشتری پیدا کند. از این طریق است که با توسعه برابری برای کلیه آحاد مردم، از هر قوم و نژاد، می‌تواند ضمن تأمین رضایت و اعتماد مردم، زمینه‌ساز تأمین مشروعیت مردمی حکومت باشد و از ایجاد شکاف اجتماعی ممانعت کند.

با توجه به مدل استخراج شده در تحقیق حاضر، باور محقق بر این اساس است که بین متغیرهای به‌دست آمده برای مقوله محوری «مردم‌سالاری دینی»، غلبه با رویکرد دینی است تا مردم‌سالاری؛ از این رو، می‌توان چنین استنباط کرد که نگاه دین‌محور بین حاکمان و دولت‌مردان جایگاه بالاتری دارد. این موضوع می‌تواند در تعارض با تفکر مردم‌سالاری باشد و به نوعی آن را به حاشیه براند. همچنین با توجه به اینکه تاریخ مردم‌سالاری به دوره معاصر و عصر عقلانیت‌گرایی و تجدد تعلق دارد و این تحول فکری به نوعی در تعارض با دیدگاه دین‌محور دوره قرون وسطی رشد کرده است، از ابتدای پیدایش این مفهوم تعارضی با حاکمیت انسان و دین مستتر است. با توجه به اینکه مقوله محوری این پژوهش «مردم‌سالاری دینی» شناخته شد و از بین متغیرهای این مفهوم، رویکردهای دین‌محور وزن‌های بیشتری داشتند، نیاز به همسویی بین این متغیرها ضروری به نظر می‌رسد. نظر به اینکه تفکر حاکمیت دینی غالب است، اگر این همسویی برقرار نشود، می‌تواند موجب خنثی شدن و به حاشیه‌رفتن مردم‌سالاری شود. از این رو با توجه به متغیرها و روابط بین آنها در مدل رابطه حکومت و مردم، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

- با توجه به ویژگی‌های خاص مدل تحقیق، نگاه کلان به نوع رابطه حکومت و مردم، ضروری به نظر می‌رسد. نظریه‌پردازان عناصر و متغیرهای مدل تحقیق را در شرایط مختلف آزمون کنند.

- با توجه به عوامل زمینه‌ای مدل (شبکه‌های مجازی و رفاه عمومی)، خط‌مشی‌گذاران و سایر تصمیم‌سازان در سطح کلان، نسبت به این متغیرها با آگاهی تصمیم گرفته و نسبت به رشد و تقویت آنها اقدام کنند.
- همچنین با توجه به مقوله محوری تحقیق (مردم‌سالاری دینی) و تعارضاتی که در تعریف مردم‌سالاری و رابطه آن با دین و حکومت دینی مستتر است، نیاز است که محققان و صاحبان اندیشه در زمینه شفاف‌سازی و تبیین این مدل گام برداشته و به تدوین راهکارهایی به‌منظور همسویی این دو مقوله اقدام کنند.
- شایسته است که محققان نسبت به شناسایی عوامل دیگر تأثیرگذار بر رابطه حکومت و مردم اقدام کنند.

## منابع

- اندرسون، پری (۱۳۹۰). *تبارهای دولت استبدادی*، ترجمه حسن مرتضوی، تهران: نشر ثالث.
- بدیع، برتران؛ بیرنوم، پیر (۱۳۷۹). *جامعه‌شناسی دولت*. ترجمه احمد نقیب زاده، تهران: انتشارات باز.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۸). *جامعه مدنی و توسعه سیاسی در ایران: گفتارهایی در جامعه‌شناسی سیاسی*، تهران: نشر علوم نوین.
- بلوخ، مارک (۱۳۶۳). *جامعه فتودالی*. جلد اول. ترجمه بهزاد باشی. تهران: نشر آگاه.
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۹۰). *حکومت و مردم در اندیشه مولانا. فصلنامه سیاست*، ۲۱(۲)، ۶۹-۸۷.
- حجاریان، سعید (۱۳۷۹). *جمهوریت، افسون‌زدایی از قدرت*. (چاپ دوم)، تهران: انتشارات طرح نو.
- دلیر، بهرام (۱۳۸۸). *فقه و نمایندگی سیاسی*، *مجله علوم سیاسی*، ۴۷، ۳۱-۵۲.
- رهنورد، فرج‌اله، مهدوی راد، نعمت‌اله (۱۳۹۳). *مدیریت انتخابات*، تهران: انتشارات روزنامه اطلاعات.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۸۵). *بسط تجربه نبوی*، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
- فیرجی، داود (۱۳۹۰). *استعاره‌های حکومت در فقه سیاسی معاصر شیعه. فصلنامه سیاست*، ۴۱(۳)، ۲۰۵-۲۲۶.
- قاضی، سید ابوالفضل (۱۳۸۳). *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*. (چاپ دوم)، تهران: نشر میزان.
- قوام، عبدالعلی؛ مالمیر، مهدی (۱۳۹۳). *ارائه یک مدل تحلیلی برای بررسی شکاف دولت ملت (الگویابی روابط بین دولت و جامعه)*. *پژوهشنامه علوم سیاسی*، ۱۰(۱)، ۱۵۷-۱۹۷.
- کاظمی، علی‌اصغر (۱۳۸۲). *مدیریت سیاسی و خط‌مشی حکومتی*. (چاپ چهارم)، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- گواهی، زهرا؛ ثقفی، مریم (۱۳۹۵). *مبانی فقهی - حقوقی سلب مالکیت توسط دولت. فصلنامه علمی - ترویجی اقتصاد و بانکداری*، ۱۵، ۲۳-۴۵.
- ولایی، عیسی (۱۳۷۷). *مبانی سیاست در اسلام*. (چاپ اول). تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
- وینست، اندرو (۱۳۹۱). *نظریه‌های دولت*. (چاپ هشتم). ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی.

## References

- Anderson, P. (2011). *The descendants of the autocratic state*. Translated by Hasan Mortazavi, Tehran: Sales Publications. (in Persian)

- Badee, B., Byrne Boom, P. (2000). *State Sociology*. Translated by Ahmad Nighibzadeh, Tehran: Baz Publications. (in Persian)
- Bashirieh, H. (1999). *Civil Society and Political Development in Iran: Speeches in Political Sociology*. Tehran: New Science Publishing. (in Persian)
- Bloch, M. (1984). *Feudal society*. First volume. Translated by Behzad Beheshti. Tehran: Agah Publishing. (in Persian)
- Bluhm, D.J., Harman, W., W. Lee, T.W., & Mitchell, T.R. (2011). Qualitative Research in Management: A Decade of Progress. *Journal of Management Studies*, 48(8), 1866-1891.
- Bovaird, T., Löffler, E. (2009). .More quality through competitive quality awards? An impact assessment framework. *International Review of Administrative Sciences*, 75(3), 383 – 401.
- Callahan, K. (2007). Citizen Participation: Models and Methods. *International Journal of Public Administration*, 30(11), 1179-1196.
- Charmaz, K. (2006). *Constructing Grounded Theory A Practical Guide through Qualitative Analysis*. (2nd ed). Thousand Oaks, CA: Sage.
- Dalir, B. (2009). Jurisprudence and Political Representation. *Political Science Journal*, 47, 31-52. (in Persian)
- Davis, J., Schoorman, D. & Donaldson, L. (1997). Towards a stewardship theory of management. *Academy of Management Review*, 22(1), 20-47.
- Donaldson, L., Davis, J.H. (1991). Stewardship Theory or Agency Theory: CEO Governance and Shareholder Returns. *Australian Journal of Management*, 16(1), 49 – 64.
- Eriksson, P., & Kovalainen, A. (2016). *Qualitative Methods in Business Research: a Practical Guide to Social Research*, Los Angeles: Sage.
- Evans, P. B. (1995). *Embedded autonomy: States and industrial transformation*. Princeton: N.J: Princeton University Press.
- Fierahy, D. (2011). State metaphors in contemporary Shiite political jurisprudence. *Political Quarterly*, 41(3), 205-226. (in Persian)
- Glaser, B. G. (1978). *Theoretical sensitivity: advances in the methodology of grounded theory*. Mill Valley, CA: Sociology Press.
- Glaser, B., & Strauss, A. (2006). *The discovery of Grounded Theory: Strategies for Qualitative Research*, USA: Aldine.
- Gore, A. (1993). *From Red Tape to Results: Creating a Government that Works Better & Costs Less, Report of the national Performance Review*, Washington D .C, U.S. Government Printing Office.
- Govahee, Z., Saghafi, M. (2016). Jurisprudential-Legal foundations of Expropriation by the Government. *Quarterly Journal of Economics and Banking*, 15, 23-45. (in Persian)
- Greenleaf, R. K. (1997). The servant as leader. In R. P. Vecchio (Ed.), *Leadership: Understanding the dynamics of power and influence in organizations* (pp. 429-438). Notre Dame, IN, US: University of Notre Dame Press. (Reprinted from "Servant Leadership," Paulist Press, 1977: 7–17.
- Hajjarian, S. (2000). *Repubmission, Enchantment of power*. (Second Edition), Tehran: Tarh Nou Publishing, (in Persian)
- Jamshidi, M. H. (2011). Government and People in Mowlana's Thoughts. *Quarterly Journal of Politics*, 21(2), 69-87. (in Persian)

- Jensen, M.C., Meckling, W.H. (1976). Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs and ownership structure. *Journal of Financial Economics*, 3(4), 305-360.
- Jessop, B. (2010). Redesigning the State, Reorienting State Power, and Rethinking the State, in *Kevin T. Leicht, and J. Craig Jenkins (Eds.)*, Handbook of Politics: State and Society in Global Perspective, pp. 41-61.
- Kazemi, A. A. (2003). *Political management and government policy*. (fourth edition), Tehran: Islamic Culture Publishing Office. (in Persian)
- Lange, M. & Reuschmeyer, D. (2005). States and Development: Historical Antecedents of Stagnation and Advance: Governance as international journal of policy, *administration and institutions*, 20(1), 150-153.
- Lincoln, Y.S., Guba, E.G (1986). But is it rigorous? Trustworthiness and authenticity in naturalistic evaluation. *Naturalistic Evaluation*, (3), 73-84.
- Lindbeck, A., & Snower, D.J. (2001). Insiders versus Outsiders. *Journal of Economic Perspectives*, 15(1), 165-188.
- Locke, K.D., (2001). *Grounded theory in management research*. SAGE publication, London, Thousand Oaks, New Delhi
- Migdal, J. S. (2004). *State in Society: Studying How States and Societies Transform and Constitute One another*, New York: Cambridge University Press.
- Migdal, J.S. (1988). *Strong Societies and Weak States: State-Society Relations and State Capabilities in the Third World*, New Jersey: Princeton University Press.
- Niskanen, W.A. (1975). Bureaucrats and Politicians. *The Journal of Law and Economics*, 18(3), 617-643.
- Qavam, A. A., & Malimir, M. (2014). Provide an analytical model for analyzing the gap between the state and nation (modeling the relations between government and society). *Political science research journal*, 10 (1), 157-197. (in Persian)
- Qazee, S.A. (2004). *Fundamental Rights and Political Institutions*. (Second Edition), Tehran: Myzan Publishing. (in Persian)
- Rahnavard, F., Mahdavi Rad, N. (2014). *Election Management*. Tehran: Etelaat Newspaper Publishing. (in Persian)
- Schachter, H. L. (1995). Reinventing Government or Reinventing Ourselves: Two Models for Improving Government Performance. *Public Administration Review*, 55(6), 530-536.
- Sellers, J. M. (2011). *State-Society Relations: in: SAGE Handbook of Governance*. Edited by Mark Bevir, London: Sage Publications.
- Soroush, A. (2006). *Expansion of the Prophetic Experience*. Tehran: Sūrat Cultural Institute. (in Persian)
- Strauss, A.L., & Corbin, J. (1990). *Basics of Qualitative Research: Grounded Theory Procedures and Techniques*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Vincent, A. (2012). *Government theories*. (Eighth Edition). Translation of Hossein Bashirieh, Tehran: Nay Publishing. (in Persian)
- Welae, E. (1998). *The Basics of Politics in Islam*. (First Edition). Tehran, Ministry of Culture and Islamic Guidance, Printing and Publishing Office. (in Persian)